

تبعات و پیامد ورود روس ها به جنگ افغانستان

محمد اکرام اندیشمند

آیا ولادیمیر پوتین نیروهای روسی به ویژه قوای هوایی و راکتی روسیه را وارد معرکه افغانستان علیه طالبان و داعش خواهد کرد؟ اهمیت این جنگ برای روس ها چیست و پیامد دخالت و مشارکت احتمالی نظامی مسکو در سطح منطقه ای و بین المللی چگونه ارزیابی می شود؟

نخستین نشانه های ورود روس ها به جنگ افغانستان:

پس از ملاقات پوتین رئیس جمهور روسیه با امام علی رحمن رئیس جمهور تاجکستان در شهر سوچی (7 اکتوبر 2015) و ابراز نگرانی هر دو از حضور طالبان در ولایات شمال شرق و شمال افغانستان، خبرگزاری "تاس" از قول افسر روسی "یارسلاو رشو پکین" نماینده حوزه نظامی مرکزی روسیه، از اعزام چرخبال های تهاجمی M24P و چرخبال ترانسپورتی به فرودگاه عینی در سی کیلومتری غرب شهر دوشنبه خبر داد. این چرخبال ها معمولاً برای مأموریت های نظامی تهاجمی مورد استفاده قرار می گیرند.

احتمال مشارکت چرخبال های تهاجمی روسیه را در جنگ با طالبان و داعش به خصوص در شمال افغانستان علاوه بر ابراز نگرانی رئیس ان جمهوری روسیه و تاجکستان دو تحول دیگر تقویت می کند:

- 1- سقوط غیر منتظره شهر قندوز مرکز ولایت هم مرز با تاجکستان بدست طالبان و حضور گسترده نیروهای طالبان در ولسوالی درقد و سایر مناطق مرزی با تاجکستان.
- 2- عملیات غیرمترقبه و گسترده هوایی مسکو در سوریه بدون توجه به انتقاد و مخالفت امریکا و ناتو و مخالفان عرب بشار اسد.

اهمیت افغانستان برای روسیه چیست؟

اگر پوتین رئیس جمهور فدراتیف روسیه مشارکت در جنگ سوریه را بدفاع از دولت بشار اسد در جهت اهداف و منافع منطقه ای و جهانی مسکو ارزیابی و تلقی کند و با این تلقی، ریسک هر گونه مخالفت امریکا و غرب را به ورود در جنگ سوریه پذیرفته باشد، بدون تردید اهمیت افغانستان برای مسکو در جنوب مرزهای آسیای میانه، نه تنها کمتر از سوریه نیست، بلکه بیشتر از آن خواهد بود. آیا دولت روسیه حضور تروریسم طالبی و داعشی را در کنار مرز کشورهای آسیای میانه به عنوان حیاط خلوت و حوزه نفوذ و منافع خود، تحمل خواهد کرد؟

دوام حضور نیروهای طالبان و گروه های تروریستی دیگر چون داعش در شمال افغانستان بنا به هر عامل و دلیلی، از سوی مسکو و دولت های در واقع تحت نفوذ و یا متحد آن در آسیای میانه به عنوان تهدید بسیار جدی و خطر ناک ارزیابی و شناخته می شود. روس ها ریسک این تهدید را که پای گروه های جهادگر اسلامی را بدرون جوامع مسلمان آسیای مرکزی و جامعه مسلمانان فدراتیف روسیه می کشاند، نمی پذیرند و نظاره گر باقی نمی مانند.

زمینه ها و فرصت های مساعد ورود روس ها به جنگ افغانستان:

به هر حدی که دولت وحدت ملی افغانستان در جلوگیری از نفوذ و گسترش تروریسم طالب و داعش در شمال افغانستان ناتوان و درمانده باقی بماند، فرصت برای دخالت و مشارکت روس ها در عملیات نظامی علیه طالب و داعش در شمال مساعد و مهیا می شود. نوعی از پذیرش و موافقت اجتماعی و داخلی برای عملیات نظامی روس ها و مشارکت آنها در جنگ علیه طالبان در ولایات شمال بوجود می آید. برای بسیاری از قوماندانان مجاهدین و نیروهای شان در شمال که خود را در دولت وحت ملی منزوی می بینند و این دولت را در مقابله با طالبان درمانده و ناتوان می یابند، ناتوانی دولت و همچنان ناکامی حامیان امریکایی دولت یک امر عمدی و توطئه آمیز پنداشته می شود. این حالت، فرصت مساعدی را برای مشارکت مسکو در جنگ علیه طالبان ایجاد می کند. همین اکنون، جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری با مقامات روسی در حال مذاکره است و از آنها میخواهد تا افغانستان را در جنگ علیه طالبان همکاری نظامی کند. شایعاتی نیز از برگزاری تماس و رابطه میان قوماندانان سابق مجاهدین و نیروهای مقاومت ضد طالبان در شمال افغانستان با روس ها در جهت کسب حمایت از آنها در جنگ علیه طالبان وجود دارد.

چالش و موانع مشارکت مسکو در جنگ علیه طالبان:

مخالفت جدی امریکا و ناتو به مشارکت مسکو در جنگ علیه طالبان و انجام عملیات هوایی و راکتی مشابه سوریه توسط نیروهای روسی در شمال افغانستان، چالش و مانع عمده در برابر روسیه است. میزان چالش آفرینی مخالفت با مسکو از سوی امریکا و ناتو بستگی به عملکرد آنها در مقابل عملیات نظامی روس ها در کشور سوریه است. امریکا و ناتو اکنون بیشتر از نارضایتی و ابراز مخالفت و تدویر نشست، کار عملی بازدارنده در برابر مسکو انجام نداده اند. ناتوانی و یا عدم اراده غربی ها در جهت توقف عملیات نظامی روس ها در سوریه، مسکو را به آغاز عملیات مشابه در شمال افغانستان علیه تروریسم طالبان وسوسه و تشجیع می کند. افزایش و گسترش نیروهای طالبان در ولایات شمال افغانستان و ناتوانی دولت افغانستان در شکست و سرکوب آنها از شمال، وسوسه مسکو را بسوی اقدام نظامی در این سوی آمو می کشاند.

پیامد ورود روس ها به جنگ افغانستان در فضای

مخاصمت و تقابل شدید با غرب:

تبعات و پیامد دخالت احتمالی روس ها در جنگ افغانستان در فضای تعارض و دشمنی شدید با امریکا و غرب و متحدین عرب و مسلمان شان در منطقه، برای افغانستان و منطقه بسیار پیچیده و مصیبت بار خواهد بود. شکل گیری این فضای خصومت از تقابل دو طرف بر سر سوریه آغاز می شود. اما هنوز میزان رویارویی

غرب با روس ها در میدان سوریه نامشخص است. واکنش روس ها نیز در برابر اقدام و عمل غربی ها روشن نیست.

آیا مسکو علی رغم تهدید جدی و عملی ناتو، همچنان به عملیات خود در روسیه ادامه خواهد داد؟

آیا در جنگ سوریه، ائتلاف 4 + 1 (مسکو، تهران، بغداد، دمشق و حزب الله لبنان) در برابر ناتو و اعراب سنی، به خصومت و تقابل تا سرحد درگیری نظامی ادامه خواهد داد؟ آیا این ائتلاف از لحاظ نظامی و اقتصادی توانایی دوام این تقابل را خواهد داشت؟

اگر پاسخ این پرسش ها، مثبت باشد و یا حوادث در چنین مسیری شکل بگیرد، تداوم حضور طالبان در شمال افغانستان و در کنار مرزهای آسیای میانه، از سوی مسکو نوعی از توطئه و دامی برای روسیه و آسیای میانه پنداشته می شود و روس ها عملیات نظامی را در شمال افغانستان یک امر اجتناب ناپذیر در مقابله با این توطئه ارزیابی خواهند کرد. دخالت و مشارکت روسیه در چنین فضای تقابل و خصومت عمیق و گسترده با امریکا و غرب، در واقع ائتلاف 4 + 1 را از معرکه سوریه تا میدان های جنگ در شمال افغانستان گسترش می دهد و ائتلاف مذکور در این میدان از 4 + 1 به 5 + 1 (هند) و احتمالاً به 6 + 1 (چین) گسترش خواهد یافت. هندوستان که بگونه طبیعی دست پاکستان را در عقب تروریزم طالب و هر گروه تروریستی دیگر می بیند وارد این ائتلاف خواهد شد. دهلی نو قبل از سقوط طالبان نیز با جبهه مقاومت ضد طالبان همکاری داشت و فرودگاه عینی تاجکستان را که اکنون پایگاه استقرار چرخ بالهای تهاجمی روسیه قرار گرفته با هزینه خود و توسط نظامیان خویش باز سازی کرده است. احتمال ورود چین به این ائتلاف به عنوان عضو سازمان همکاری شانگهای و نگران از جوامع مسلمان خود نیز بیشتر است. در واقع یک جنگ خونین و ویرانگر میان این دو قطب جدید متخاصم و این دو ائتلاف منطقه ای و جهانی در خواهد گرفت:

1- امریکا و کشورهای عضو ناتو با بسیاری از اعراب مسلمان سنی

2- روسیه، جمهوری اسلامی ایران و اعراب شیعه، هند و احتمالاً چین.

افغانستان یکی از میدان های این جنگ خونین و ویرانگر در مخاصمت و تقابل این دو ائتلاف خواهد بود که حتی تبعات غم انگیز و مرگبار آن، مردم و جامعه را در این کشور میان دو طرف این ائتلاف متخاصم تقسیم می کند و در جنگ و تقابل خونین میان هم قرار می دهد.

وجیه دولت وحدت ملی و رئیس جمهور اشرف غنی:

وظیفه و وجیه دولت وحدت ملی و به خصوص وجیه اشرف غنی رئیس این دولت، جلوگیری از سقوط افغانستان در چنین پرتگاه مرگبار تقابل قدرت های منطقه ای و جهانی و به خصوص جلوگیری از ورود روسیه به جنگ افغانستان است. دولت وحدت ملی و رئیس جمهور غنی فقط زمانی می توانند افغانستان را از تبدیل شدن به میدان تقابل احتمالی دو ائتلاف متذکره و به خصوص از ورود روس ها به جنگ افغانستان جلوگیری کنند که جلو نفوذ و حضور تروریستان طالب را در شمال

افغانستان بگیرند. هر گونه سياست مخدوش و غير شفاف در مبارزه و جنگ با گروه تروريستي طالب و به خصوص از سوي رئيس جمهور و دولت وحدت ملي، افغانستان را بسوي سرنوشت تاريک و مصيبت بار مي برد.